

تحلیل فضایی پراکنش زنان سرپرست خانوار مورد حمایت کمیته امداد در سطح کشور و ارتباط آن با متغیرهای اجتماعی و اقتصادی

علیرضا دربان آستانه^۱، محمدرضا رضوانی^۲، مجتبی قدیری معصوم^۳، بهرام هاجری^{۴*}

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۲/۱۱ صص ۱۶۹-۱۹۴ تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۳/۲۸

چکیده

تحقیق حاضر با هدف بررسی توزیع و پراکندگی زنان سرپرست خانوار تحت پوشش کمیته امداد در سطح ۴۲۱ شهرستان کشور و همبستگی آن‌ها با برخی از عوامل اجتماعی و اقتصادی می‌پردازد. روش تحقیق در این پژوهش بر اساس هدف کاربردی و بر اساس ماهیت توصیفی - تحلیلی می‌باشد و داده‌های تحقیق از سالنامه‌ی آماری سال ۱۳۹۴ و سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ استخراج شده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از متد لکه‌های داغ (Hot Spot) و آماره‌های محلی و سراسری Moran's I و LISA به عنوان رویکردهایی از ESDA استفاده شده است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که بیشترین درصد خانوارهای با سرپرست زن تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) در جنوب شرق، شمال شرق و جنوب غرب کشور پراکنده شده‌اند. توزیع فضایی زنان سرپرست خانوار مورد حمایت کمیته امداد و همبستگی آن با درصد زنان بی‌همسر به دلیل فوت همسر، در شهرستان‌های واقع در استان‌های سیستان و بلوچستان، کرمان، هرمزگان، کهگیلویه و بویراحمد، کرمانشاه، گیلان، گلستان و خراسان رضوی، در زمینه‌ی درصد زنان بی‌همسر به دلیل طلاق در برخی از شهرستان‌های واقع در استان‌های خراسان جنوبی، سیستان و بلوچستان، هرمزگان، فارس، خراسان شمالی، گلستان و گیلان؛ هم‌چنین برخی از شهرستان‌های استان‌های سیستان و بلوچستان، کرمان، هرمزگان، کهگیلویه و بویراحمد، گلستان، گیلان، خراسان شمالی، و رضوی در زمینه‌ی نرخ روستانشینی؛ و هم‌چنین درصد بیکاری زنان در یک شهرستان

^۱ عضو هیات علمی دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران

^۲ استاد و عضو قطب برنامه ریزی روستایی، دانشگاه تهران

^۳ استاد و عضو قطب برنامه ریزی روستایی، دانشگاه تهران

^۴ دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه تهران

* - نویسنده مسئول: bahramhajari@ut.ac.ir

کشور واقع در استان کهگیلویه و بویراحمد از الگوی بالا - بالا پیروی می کند. سایر شهرستان‌های کشور با توجه به مقتضیات محلی - منطقه‌ای الگوی خاصی از هم‌بستگی پیروی می‌کنند.

کلمات کلیدی: زنان، سرپرست خانوار، کمیته امداد، تحلیل فضایی، شهرستان های کشور

مقدمه

زنان به عنوان نیمی از جمعیت جهان، پایه و اساس کوچک ترین و بنیادی ترین رکن جامعه یعنی نهاد مقدس خانواده را تشکیل می دهند و در سراسر جهان به هنگام از دست دادن همسرانشان یا بیماری و بیکاری آن‌ها، دسترسی و اداره‌ی جامعه کوچک خانواده را به عهده می‌گیرند و مسئولیت سنگین پدر و مادر بودن، ایشان را با مشکلات و موانع عدیده‌ی اقتصادی، تربیتی، روحی و قانونی رو به رو می‌گرداند (Nasseri & Salarzahi, 2011). در واقع تعداد نقش‌های زنان سرپرست خانوار در غیاب همسر مشکلاتی در زمینه‌ی مسائل اقتصادی، اجتماعی جسمی، روانی، حقوقی و خانوادگی برایشان به‌وجود می‌آورد، که می‌توانند کیفیت زندگی آن‌ها را در تمامی ابعاد تحت تأثیر قرار دهد (Boldaji et al, 2011). به عبارت دیگر می‌توان گفت که انتقال ناگهانی سرپرستی از شوهر به زن، باعث به‌وجود آمدن رشته‌ای از نامنی‌ها و وظایف مضاعف شامل از دست دادن درآمد، تربیت فرزندان و ایفای نقش دوگانه برای زنان می‌شود (Herbst, 2012, Shahriyari, 2013). بنابراین در خانواده‌هایی که زنان سرپرست خانوار می‌باشند، زن هسته‌ی مرکزی خانوار تلقی شده و بار اصلی مسئولیت‌های اقتصادی - اجتماعی خانواده بر عهده‌ی اوست (Yacoby et al, 2016). با توجه به افزایش روزافزون زنان سرپرست خانوار و مشکلات و مسائل این گونه زنان، حمایت جدی از آنها ضرورتی اجتناب ناپذیر است. بر اساس سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵، تعداد خانوارهای زن سرپرست بیش از ۳ میلیون و ۶۱ هزار خانوار است. در واقع میزان سهم زنان در سرپرستی خانوارها در سال ۱۳۹۵ حدود ۱۲/۷ درصد بوده است که رشد در خور ملاحظه‌ای نسبت به سایر دوره‌های سرشماری داشته است (Iranian Center for Statistics, 2016). همین رقم ساده، گویای این مطلب است که نمی‌توان به سادگی از کنار مسئله‌ی زنان سرپرست خانوار گذشت. مقوله‌ی زنان سرپرست خانوار به منزله‌ی یک نقطه‌ی قانونی است که هم از دیگر آسیب‌ها به شکل مستقیم و غیرمستقیم تأثیر می‌پذیرد و هم آن‌که خود می‌تواند زمینه ساز و تقویت کننده دیگر آسیب‌ها باشد (Daghkele & kalhor, 2011). بدین لحاظ توجه دقیق به مسایل و مشکلات آن‌ها و ارائه‌ی راهکارهای درست و اصولی به منظور حمایت از این قشر از جمله وظایف نهادها و سازمان‌های خدمات اجتماعی هر کشور است

(Gharashi et al, 2017). در همین راستا پس از پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار نظام سیاسی- اجتماعی و فرهنگی مبتنی بر موازین دین مبین اسلام، قانون اساسی بر تأمین نیازهای افراد بی سرپرست و زنان سرپرست خانوار به عنوان اقشار آسیب پذیر جامعه تأکید کرده است. قانون‌گذار نظام اسلامی با توجه به اصل حفظ نهاد خانواده، اصل برقراری عدالت اجتماعی، اصل پیشگیری از مفاسد اجتماعی و اصل رعایت حقوق شهروندی موظف بوده است تا این گروه را زیر چتر حمایتی خود قرار دهد. از جانب دیگر، مطابق با آموزه‌های مذهب تشیع، حاکمان حکومت اسلامی ملزم به بذل توجه ویژه در امور اقتصادی و اجتماعی افرادی هستند که از عهده‌ی مخارج خود بر نیامده و مشکلات بسیاری را متحمل می‌شوند (Nasseri & Salarzahi, 2011). بر همین اساس در ایران مؤسسات مالی رسمی و غیر رسمی فراوان به شیوه‌های متفاوت به حمایت از قشر کم درآمد به ویژه زنان سرپرست خانوار پرداخته‌اند، که کمیته امداد امام خمینی (ره) از جمله نهادها و سازمان‌هایی می‌باشد که به امور این افراد پرداخته و در جهت توانمندسازی آنان اقداماتی را انجام می‌دهد. این نهاد، در طی بیش از سه دهه فعالیت، خدمات ارزنده‌ای را به محروم‌ترین اقشار جامعه در اقصی نقاط کشور ارائه کرده است. با وجود خدمات ارزنده‌ی این نهاد حمایتی ولی روز به روز شاهد افزایش فقر و افراد تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) و به‌ویژه زنان سرپرست خانوار می‌باشیم. برای شناخت دقیق این مسأله و حل آن ابتدا باید شناخت دقیق و کاملی از توزیع و پراکنش زنان سرپرست خانوار مورد حمایت کمیته امداد امام خمینی (ره) در سطح کشور داشت و سپس ارتباط و هم‌بستگی آن‌ها با عوامل اجتماعی (درصد افراد بی همسر به دلیل فوت، درصد زنان بی همسر به دلیل طلاق، و نرخ روستانشینی) و اقتصادی (درصد بیکاری زنان) مورد سنجش قرار گیرد. بنابراین پژوهش حاضر سعی در پاسخگویی به سؤالات زیر در سطح ۴۲۱ شهرستان کشور می‌باشد:

- ۱- توزیع فضایی درصد زنان سرپرست خانوار تحت پوشش کمیته امداد در سطح ۴۲۱ شهرستان کشور چگونه است؟
- ۲- آیا بین درصد زنان سرپرست خانوار تحت پوشش کمیته امداد در هر شهرستان کشور با درصد زنان بی همسر به دلیل فوت، درصد زنان بی همسر به دلیل طلاق، درصد بیکاری زنان و نرخ روستانشینی هم‌بستگی وجود دارد؟

مبانی نظری و تئوری‌هایی که در زمینه‌ی زنان سرپرست خانوار می‌توانند مورد استفاده قرار گیرند بسیار زیادند، اما در این جا به بخشی از مبانی که پایه‌های مفهومی این پژوهش را تشکیل

داده اند، بیان می‌شود. وضعیت زندگی زنان سرپرست خانوار و کودکی شان مورد توجه و مطالعه‌ی بسیاری از اندیشمندان حوزه‌ی جامعه‌شناسی قرار گرفته و در این خصوص نظریات مختلفی ارائه شده است که به اختصار به برخی از این نظریات اشاره می‌شود.

۱- نظریه‌ی زنانه شدن فقر یا آسیب‌پذیری زنان سرپرست خانوار: این نظریه بر تبعیض جنسیتی تأکید داشته و تلاش می‌کند تا آسیب‌ها و گرفتاری‌های زنان را ناشی از موقعیت پایین‌تر زنان در مقایسه با مردان جلوه دهد (Sadeqi, 2006). در این نظریه بر شرایط حاکم بر زندگی خانواده‌های زن سرپرست هم‌چون سطح پایین سواد، سطح پایین دسترسی به منابع و دارایی‌ها، سطح پایین دسترسی به افراد و نهادهای حمایتی، سوء استفاده‌ی جنسی و آسیب‌پذیری در سطح جامعه و خانواده (OECD, 2011)، عدم دسترسی به فرصت‌های شغلی برابر با مردان، دستمزدهای کمتر و مسأله‌ی فقر زمانی تأکید می‌شود (Mirzaei et al, 2011). ۲- نظریه‌ی ساختی - کارکردی: در این نظریه عقیده بر این است که آسیب‌ها و مشکلات زنان سرپرست خانوار به خاطر زن بودن آنان نیست، بلکه به این دلیل است که خانواده‌های زن سرپرست از حالت طبیعی یعنی ایفای نقش فعال زن و مرد در زندگی خارج شده و خانواده دچار کژکارکردی و انواع آسیب‌ها شده است (Mirzaei et al, 2011, Sadeqi, 2006). ۳- نظریه‌ی طبقاتی و ناتوانی دولت: این نظریه عامل اصلی گرفتاری و مشکلات زنان سرپرست خانوار را طبقه‌ی اجتماعی آنان می‌داند، به این معنی که زن به‌عنوان سرپرست خانوار به خودی خود به‌وجود آورنده‌ی مشکل یا آسیب نیست، بلکه نگاه طبقاتی به افراد مختلف چنین مشکلاتی را برای آن‌ها به‌وجود می‌آورد (Sadeqi, 2006). ۴- نظریه‌ی کنش: هیچ قانون و قاعده‌ی عامی نمی‌تواند در مورد آسیب‌پذیری زنان سرپرست خانوار صادر کرد، چرا که در این حالت واکنش فردی یا جمعی آنان نسبت به تغییر و بهبود شرایطشان نادیده گرفته می‌شود (Mirzaei et al, 2011, Sadeqi, 2006). ۵- جامعه‌شناسی زندگی روزمره: در این نظریه به جریان گذران زندگی روزمره اهمیت داده می‌شود. اهمیتی که این نظریه دارد این است که بیشتر برگرفته از تجارب خود زنان سرپرست بوده و امکان بیشتری برای نزدیک شدن به نوعی نظریه پردازی ایرانی از وضعیت زنان سرپرست خانوار در طی زمان فراهم خواهد نمود (Sadeqi, 2006). مطالعه‌ی این نظریات نشان می‌دهد که هر یک از این نظریه‌ها تنها به توضیح و تبیین بخشی از وضعیت زنان سرپرست خانوار می‌پردازند و هیچ کدام تحلیل جامعی در این زمینه ارائه نمی‌دهند. بدین ترتیب در نظر گرفتن هم‌زمان و توأمان نظریه‌های فوق به درک جامع‌تر آسیب‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و خانوادگی و روانی زنان سرپرست خانوار کمک می‌کند و این که زنان بر حسب این که

در چه جایگاهی اجتماعی قرار داشته و از چه مشخصه‌هایی برخوردار باشند، شاید با مشکلات و آسیب‌های خاص خود مواجه باشند (Amiri, 2016).

در زمینه‌ی زنان سرپرست خانوار تحت پوشش کمیته امداد در ابعاد و جنبه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و روان‌شناختی تحقیقاتی در داخل کشور صورت گرفته است. در خارج از کشور نیز به بررسی نقش سازمان‌های غیر دولتی در توانمندسازی زنان بیشتر توجه شده است. که در ادامه‌ی پژوهش به بررسی آن می‌پردازیم.

ناصری و سالارزهی (2012)، در پژوهشی تأثیر خدمات کمیته امداد بر توانمندسازی زنان سرپرست خانوار را مورد مطالعه قرار دادند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که بخشی از خدمات ارائه شده توسط کمیته امداد که در قالب دو بخش خدمات مالی و خدمات آموزشی ارائه می‌شوند مانند وام خوداشتغالی، اعتبارات خرد، مستمری موردی و آموزش خانواده بر توانمندسازی زنان سرپرست خانوار تأثیر دارند؛ اما برگزاری کلاس‌های آموزشی مهارت‌های فنی و حرفه‌ای و نهضت سوادآموزی بر توانمندسازی این زنان تأثیر ندارد (Nasseri & Salarzahi, 2011). افشانی و فاتحی (2016)، در پژوهشی به بررسی توانمندی زنان سرپرست خانوار و عوامل اجتماعی - فرهنگی مرتبط با آن: مطالعه‌ی زنان زیر پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) شهر تبریز پرداختند. نتایج نشان دادند متغیرهای تحصیلات، وسایل ارتباط جمعی، حمایت اجتماعی، سلامت عمومی و تغذیه دارای رابطه‌ی مثبت و معنادار با مقدار توانمندی زنان سرپرست خانوار بود؛ در حالی که متغیرهای سنت گرایی و وضعیت زناشویی رابطه‌ای معنادار با مقدار توانمندی زنان سرپرست خانوار نداشت. نتایج رگرسیون چندگانه نشانگر تأثیر معنادار پنج متغیر وسایل ارتباط جمعی، سلامت، حمایت اجتماعی، وضعیت تغذیه و سطح تحصیلات در مقدار توانمندی است که در این میان سلامت، بیشترین نقش را در تبیین متغیر توانمندی ایفا می‌کند. (Afshani & Fatehi, 2016). در پژوهشی دیگر توفیقیان فر و همکاران (2016) به بررسی رابطه‌ی بین طرح‌های خودکفایی کمیته امداد امام خمینی (ره) و توانمندسازی زنان سرپرست خانوار (مطالعه‌ی موردی: استان کهگیلویه و بویراحمد) پرداختند. در مجموع، یافته‌های پژوهش در سه بعد متغیرهای زمینه‌ای، خدمات امداد و دایره‌ی حمایت اجتماعی نشان داده‌اند که توانمندسازی زنان براساس طرح‌های خودکفایی، بر پایه‌ی آموزش، کسب فنون و مهارت‌های شغلی، تقویت روحیه‌ی خودباوری، ایجاد انگیزه در چارچوب آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و نیز دریافت مشاوره‌های نوین شغلی متناسب با شرایط و مقتضیات نوع شغل استوار است (Tofighian et al, 2016). در تحقیقی دیگر مهاجری و همکاران (2016) به بررسی نقش عوامل

اجتماعی و روان‌شناختی بر توانمندسازی زنان روستایی سرپرست خانوار تحت پوشش کمیته امداد (مطالعه موردی: شهرستان عباس آباد) پرداختند. نتایج به‌دست آمده از برآورد مدل ساختاری معنی‌مستقیم تحقیق نشان داد که رابطه‌ی مثبت و معنی‌داری بین عوامل روان‌شناختی و اجتماعی با توانمندسازی زنان روستایی سرپرست خانوار وجود دارد. بنابراین، تقویت و توسعه‌ی آموزش در ابعاد روانی و اجتماعی در جهت ارتقای سطح توانمندی زنان سرپرست خانوار پیشنهاد می‌شود (Mohajeri Amiri et al, 2016). کرد زنگنه و همکاران (2017) اقدام به پژوهشی در زمینه‌ی وضعیت اقتصادی و اجتماعی زنان سرپرست خانوار تحت پوشش کمیته امداد و سازمان بهزیستی شوشتر کردند. نتایج نشان می‌دهد که بین دو گروه زنان تحت سرپرست کمیته امداد و اداره‌ی بهزیستی تفاوت معنی‌داری به لحاظ درآمد، تحصیلات و میزان امکانات رفاهی وجود ندارد و سیاست‌های موجود دو سازمان بیشتر با رویکرد حمایت‌های اولیه‌ی زندگی است کمتر در راستای توانمندسازی زنان سرپرست خانوار است (Kordzangneh et al, 2017). اکپابو (2004)، نیز نقش سازمان‌های غیر دولتی در توانمندسازی فعالیت‌های زنان روستایی در نیجریه را مورد مطالعه قرار داده است. وی به این نتیجه رسیده است که سازمان‌های غیردولتی توانسته‌اند با طیف گسترده‌ای از اقدامات از طریق کسب مهارت‌ها در زمینه‌ی گسترش مواد غذایی، افزایش تولیدات و آگاهی‌های لازم در زمینه‌های بهداشت به توانمندسازی افراد کمک کنند (Akpabio, 2009). کانتاوارما (2008) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که مشارکت زنان در فعالیت‌های درآمدزا روی هم رفته به توانمندسازی زنان در ابعاد گوناگون کمک می‌کند (Kantavarma, 2008). شارما و رانی موهانتی و همکاران (2013) نشان دادند که برنامه‌های کوچک تأثیر بیشتری بر هر دو جنبه اجتماعی و اقتصادی در زنان داشته است (Sharma & Rani Mohanty et al, 2013). الشیک ۸ و الامن ۹ (2013)، به تحلیل عوامل مؤثر بر توانمندسازی اقتصادی زنان کمک می‌کند، شامل افزایش دسترسی به منابع، ارائه‌ی آموزش و استفاده و ترویج قابلیت‌های آنان در توسعه‌ی اقتصادی است. (Elsheikh & Elamin, 2013) از طرف دیگر، ابایومی ۱۰ و ابادات ۱۱ (2014)، به نقش سازمان‌های غیردولتی در توانمندسازی اقتصادی زنان

⁵ Akpabio

⁶ and Kanta Varma

⁷ Sharma & Rani Mohanty et al

⁸ Elsheikh

⁹ Elamin

¹⁰ Abayomi

¹¹ Abadat

روستایی در نیجریه پرداخته‌اند. یافته‌های تحقیق نشان داده است که عدم دسترسی به تسهیلات اعتباری، عدم دسترسی به زمین‌های کشاورزی و محدودیت‌های محیطی، عدم دسترسی به اطلاعات، عدم برنامه‌های آموزشی مناسب و عدم ظرفیت سازی توسط سازمان‌های غیردولتی به عنوان عوامل مانع در برابر توانمندسازی اقتصادی زنان در منطقه‌ی مورد مطالعه به شمار می‌رود (Abayomi & Abadat, 2014).

مطالعات پیشین نشان می‌دهد که تاکنون پژوهشی در زمینه‌ی پراکندگی درصد زنان سرپرست خانوار تحت پوشش کمیته امداد در سطح کشور و به ویژه ارتباط و هم‌بستگی آن‌ها با عوامل اجتماعی مانند درصد زنان بی‌همسر به دلیل فوت، درصد زنان بی‌همسر به دلیل طلاق، درصد بیکاری زنان و نرخ روستانشینی صورت نگرفته است و بیشتر تحقیقاتی که در زمینه‌ی کمیته امداد و فعالیت‌های آن صورت گرفته است در حد یک شهرستان می‌باشد در حالی که در این پژوهش ۴۲۱ شهرستان کشور مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

روش پژوهش

هدف این پژوهش اکتشاف الگوهایی فضایی توزیع درصد زنان سرپرست خانوار تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) است. این تحقیق بر اساس هدف کاربردی است و برای جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها از روش اسنادی و کتابخانه‌ای (سالنامه آماری استانهای کشور (سال 2015) و سرشماری نفوس و مسکن سال 2016) استفاده شده است. در پژوهش حاضر سعی شد با بهره‌گیری از آماره‌های موران محلی و سراسری به بررسی الگوهای فضایی توزیع درصد زنان سرپرست خانوار تحت پوشش کمیته امداد پرداخته شود. جامعه آماری تحقیق شامل ۴۲۱ شهرستان کشور می‌باشد. جهت تجزیه تحلیل از داده‌ها از نرم افزارهای ARC GIS و GEODA استفاده شده است. ابتدا آمار مربوط خانوارهای با سرپرستی زنان در تحت پوشش کمیته امداد استخراج و سپس با تقسیم آن بر کل خانوارهای آن شهرستان، درصد زنان سرپرست خانوار مورد حمایت در هر شهرستان به دست آمد. در ادامه در پژوهش حاضر جهت تحلیل الگوی پراکنش و توزیع درصد زنان سرپرست خانوار مورد حمایت از خود هم‌بستگی فضایی سراسری و Moran's I و لکه‌های داغ (Hot Spot) استفاده گردید. اگر شاخص موران نزدیک به (+1) باشد داده‌های دارای خود هم‌بستگی فضایی بوده و دارای الگوی خوشه‌ای می‌باشند و اگر نزدیک به (-1) باشد آن‌گاه داده‌های پراکنده و گسسته از هم است. البته این مقدار از نظر معناداری آماری سنجیده می‌گردد. در روش لکه‌های داغ (Hot Spot) نیز

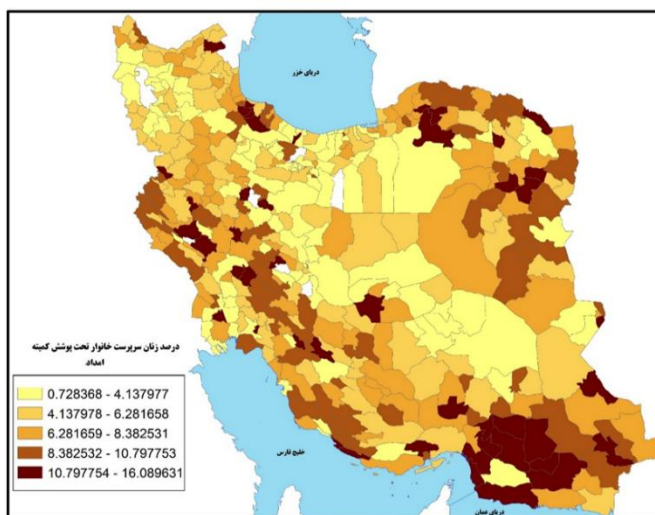
مکان‌هایی که بزرگتر از میانگین باشند، یک هم‌بستگی فضایی تشکیل می‌دهند و یک نقطه داغ حاصل می‌شود، در مقابل مناطقی که کوچک‌تر از میانگین باشند، یک نقطه سرد را تشکیل می‌دهند (عسکری 2011). هم‌چنین جهت بررسی و تحلیل رابطه‌ی بین درصد زنان سرپرست خانوار مورد حمایت و متغیری‌های اجتماعی (درصد زنان بی‌همسر به‌دلیل فوت، درصد زنان بی‌همسر به دلیل طلاق و نرخ روستائیشینی) و اقتصادی (درصد بیکاری زنان) از موران دو متغیره استفاده شد. این شاخص برای آزمون فرضیه صفر، تصادفی بودن فضایی با مقایسه ارزش‌ها در هر مکان ویژه با ارزش‌ها در مکان‌های همسایه‌اش ضروری است.

یافته‌های پژوهش

پراکندگی فضایی درصد توزیع خانوارهای تحت پوشش کمیته امداد در سطح شهرستان‌های کشور

همان‌طور که در نقشه‌ی زیر مشاهده می‌گردد بیشترین درصد خانوارهای با سرپرست زن تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) قرار دارند در جنوب شرق، شمال شرق و جنوب غرب کشور پراکنده شده‌اند.

نقشه ۱ - توزیع فضایی درصد خانوارهای با سرپرست زن تحت پوشش کمیته امداد در سطح شهرستان‌های کشور

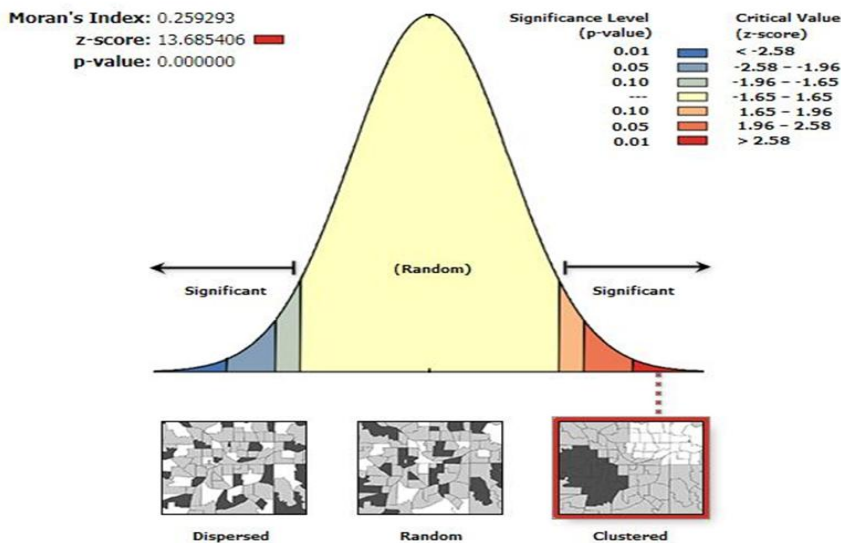


به عبارت دیگر استان‌های خراسان جنوبی، سیستان و بلوچستان، کهگیلویه و بویر احمد، لرستان و بخش‌های از استان‌های خراسان شمالی، رضوی، سیستان و بلوچستان، هرمزگان، کهگیلویه و بویراحمد، ایلام و کرمانشاه و جنوب کرمان بیشترین درصد خانوارهای با سرپرست زن تحت پوشش کمیته امداد را به خود اختصاص داده‌اند. ویژگی دیگری این شهرستان‌ها و استان‌ها این است که بیشتر در نواحی مرزی متمرکز شده‌اند و از نظر سطح توسعه در سطح پایین قرار گرفته‌اند، و همچنین فاصله‌ی زیادی تا پایتخت کشور یعنی تهران دارند.

خود همبستگی سراسری

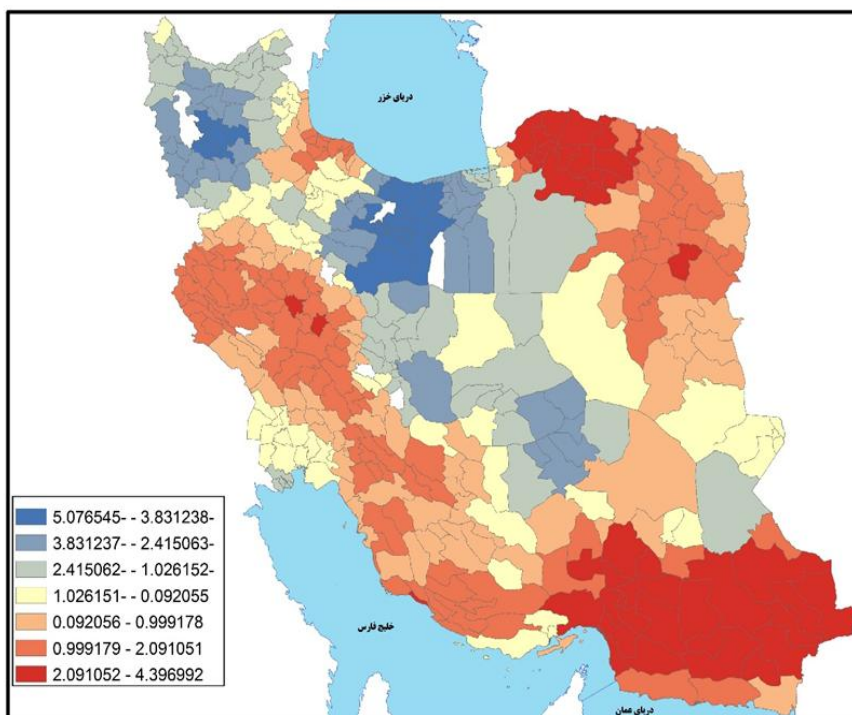
همان‌طور که از نتایج حاصل از آزمون خودهمبستگی سراسری پیداست (شکل ۱) شاخص موران $0/256$ و میزان معناداری آن $0/000$ و میزان Z آن برابر با $18/21$ است. یافته‌ها نشان از آن دارد که توزیع درصد خانوارهای با سرپرست زن تحت پوشش کمیته امداد در سطح شهرستان‌های کشور دارای ساختار فضایی بوده و به شکل خوشه‌ای توزیع شده‌اند.

شکل ۱- خود همبستگی سراسری توزیع درصد خانوارهای با سرپرست زن تحت پوشش کمیته امداد در سطح کشور



بر اساس نقشه‌ی شماره‌ی زیر تجمع فضایی لکه داغ در نواحی شمال شرق، جنوب شرق، و جنوب غرب کشور مشاهده می‌گردد که این نواحی بیشترین درصد تجمع خانوارهای با سرپرست زن تحت پوشش کمیته امداد را به خود اختصاص داده‌اند. همچنین در بخش‌های مرکزی، شمال و شمال غرب و شهرستان‌ها و استان‌های اطراف پایتخت کشور لکه سرد تشکیل شده است که نشان دهنده‌ی کمترین درصد خانوارهای با سرپرست زن تحت پوشش کمیته امداد در این نواحی می‌باشد.

نقشه ۲ - توزیع فضایی درصد خانوارهای با سرپرست زن تحت پوشش کمیته امداد در شهرستان‌های کشور بر اساس متد لکه های داغ Hot Spot

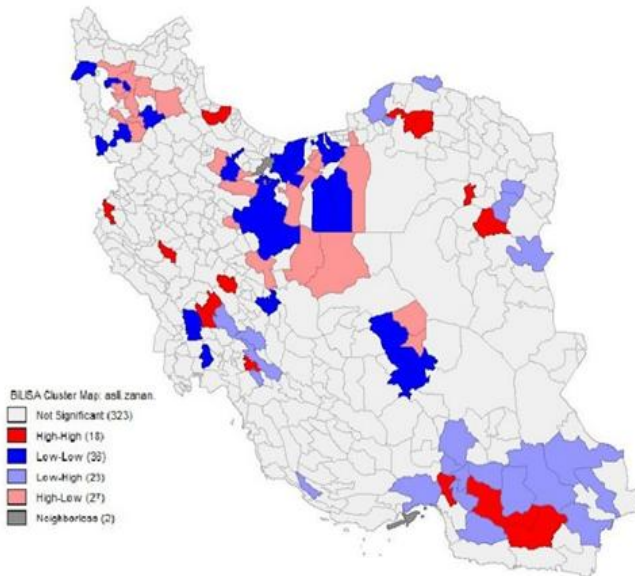


هم‌بستگی فضایی بین درصد زنان بی سرپرست به دلیل فوت همسر و درصد خانوارهای با سرپرست زن تحت پوشش کمیته امداد

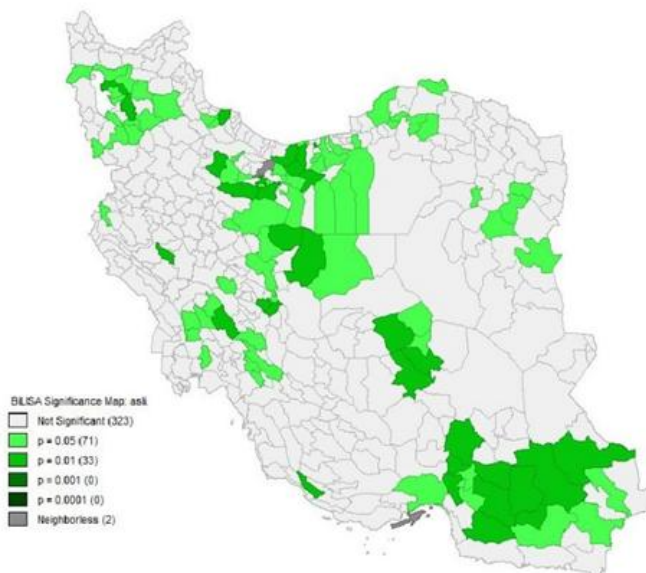
در شکل (۲) نمودار پراکنش موران قابل مشاهده می‌باشد، ضریب موران دومتغیره برابر با $Moran\ s\ I = -0.05$ است که با توجه به خط شیب رگرسیون بین درصد زنان بی سرپرست به دلیل

فوت همسر (محور X) و درصد خانوارهای با سرپرست زن تحت پوشش کمیته امداد (محور Y)، نشان از رابطه‌ی منفی بین این دو متغیر دارد. اگر چه مقدار شاخص موران بسیار ناچیز است ولی به‌طور نسبی این واقعیت را تأیید می‌کند که رابطه‌ی این دو متغیر منفی است. نقشه‌ی (۳) نشان دهنده تجمع فضایی مرتبط با درصد بیکاری و درصد خانوارهای تحت پوشش کمیته امداد است. همان‌طور که در نقشه قابل مشاهده می‌باشد، همه‌ی شهرستان‌های ایران از یک الگوی خاص فضایی پیروی نمی‌کنند به‌طوری که بخش‌های از استان‌های سیستان و بلوچستان، کرمان، هرمزگان، کهگیلویه و بویراحمد، کرمانشاه، گیلان، گلستان و خراسان رضوی از الگوی بالا - بالا پیروی می‌کنند به عبارت دیگر با افزایش درصد بیکاری در این مناطق، درصد خانوار تحت پوشش نیز به‌طور معناداری افزایش می‌یابد، که این پدیده ۱۸ شهرستان کشور را فراگرفته است.

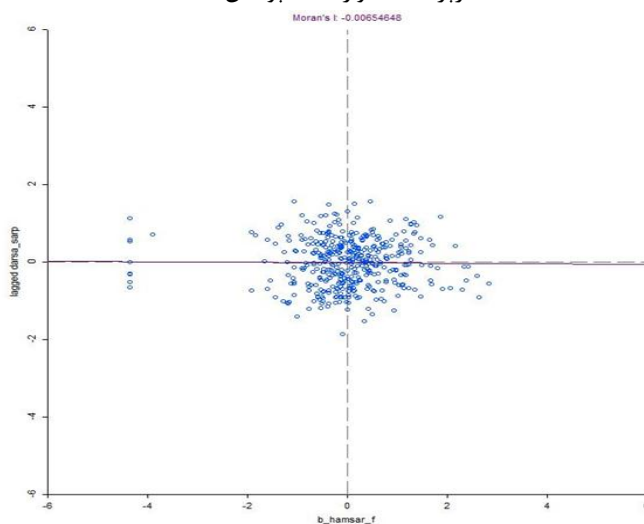
نقشه ۳: نقشه دو متغیره LSA بین درصد زنان بی همسر به دلیل فوت همسر و درصد زنان سرپرست خانوار تحت پوشش



نقشه ۴: نقشه سطح معنا داری LSA بین درصد زنان بی همسر به دلیل فوت همسر و درصد زنان سرپرست خانوار تحت پوشش



شکل ۲- پراکنش موران دو متغیره LSA بین درصد زنان بی همسر به دلیل فوت همسر و درصد زنان سرپرست خانوار تحت پوشش



در ۳۶ شهرستان کشور نیز که در استان‌های تهران، سمنان، مرکزی، مازندران، البرز، آذربایجان غربی و یزد از الگوی پایین - پایین پیروی می‌کند، الگوی پایین به بالا را می‌توان در برخی از شهرستان‌های استان‌های سیستان و بلوچستان، هرمزگان، کرمان، خراسان رضوی و جنوبی و گلستان مشاهده کرد. در ۲۷ شهرستان کشور نیز واقع در بخش‌هایی از استان‌های آذربایجان غربی و شرقی، سمنان، اصفهان، یزد، قم، زنجان، تهران الگوی بالا - پایین حاکم می‌باشد. در مجموع این چهار الگو در ۲۳ درصد از شهرستان‌های کشور مشاهده گردید و در ۷۷ درصد شهرستان‌های کشور از الگوی خاصی پیروی نمی‌کردند.

همبستگی فضایی بین درصد زنان بی سرپرست به دلیل طلاق و درصد خانوارهای با

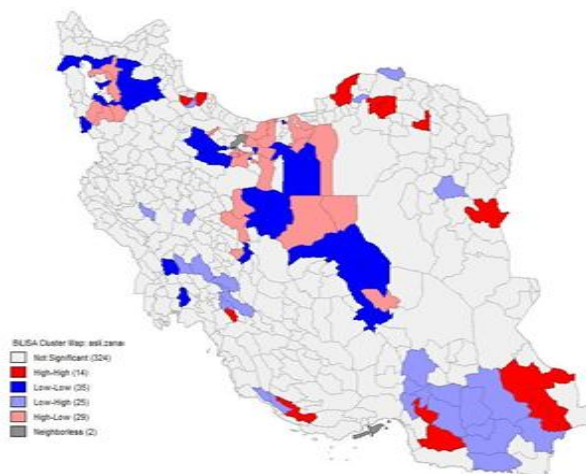
سرپرست زن تحت پوشش کمیته امداد

در شکل (۳) نمودار پراکنش موران قابل مشاهده می‌باشد، ضریب موران دومتغیره برابر با $Moran\ s\ I = -0.54$ است که با توجه به خط شیب رگرسیون بین درصد زنان بی سرپرست به دلیل طلاق (محور X) و درصد خانوارهای با سرپرست زن تحت پوشش کمیته امداد (محور Y)، نشان از رابطه منفی بین این دو متغیر دارد. اگر چه مقدار شاخص موران بسیار ناچیز است ولی به طور نسبی این واقعیت را تأیید می‌کند که رابطه‌ی این دو متغیر منفی است. نقشه‌ی (۳) نشان دهنده‌ی تجمع فضایی مرتبط با درصد زنان بی سرپرست به دلیل طلاق و درصد خانوارهای با سرپرست زن تحت پوشش کمیته امداد است.

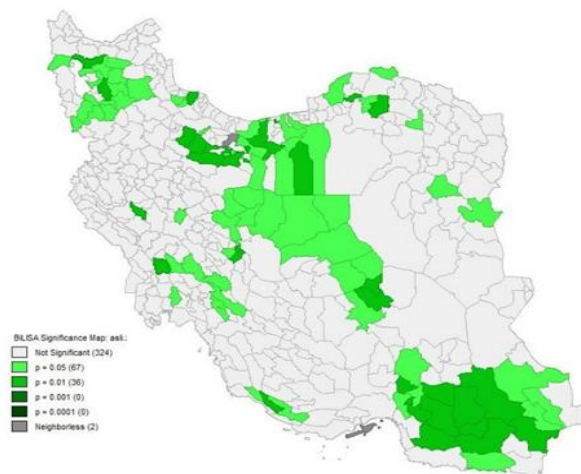
بر اساس این دو شاخص، الگوهای متفاوتی در سطح کشور به وجود آمده است، که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌کنیم. الگوی اول که در ۱۴ شهرستان کشور واقع در استان‌های خراسان جنوبی، سیستان و بلوچستان، هرمزگان، فارس، خراسان شمالی، گلستان و گیلان شکل گرفته است، الگوی بالا - بالا می‌باشد. این الگو بیان می‌دارد که در برخی از شهرستان‌های واقع در این استان‌ها هم درصد زنان بی سرپرست به دلیل طلاق و هم درصد خانوارهای با سرپرست زن تحت پوشش کمیته امداد بالا می‌باشد. الگوی دوم، الگوی پایین به پایین می‌باشد که ۲۳ شهرستان کشور عمدتاً واقع در استان‌های سمنان، اصفهان، زنجان، آذربایجان غربی، آذربایجان شرقی از آن پیروی می‌کنند. این الگو بیان می‌دارد که در این بخش‌ها هر دو شاخص زنان بی سرپرست به دلیل طلاق و درصد خانوار با سرپرست زن تحت پوشش کمیته امداد پایین می‌باشد. الگوی سوم، الگوی پایین به بالا می‌باشد که این الگو نیز در استان‌های بوشهر، هرمزگان، سیستان و بلوچستان، خراسان رضوی، کهگیلویه و

بویراحمد را در بر گرفته است. در نزدیک به ۷ درصد از شهرستان‌های کشور واقع در استان‌های سمنان، تهران، البرز، آذربایجان شرقی و غربی و اصفهان نیز الگوی چهارم یعنی، الگوی بالا - پایین پیروی می‌کنند. در ۳۲۴ شهرستان کشور نیز رابطه‌ی معناداری بین این دو متغیر وجود ندارد.

نقشه ۵: نقشه دو متغیره LSA بین درصد زنان بی همسر به دلیل طلاق و درصد زنان سرپرست خانوار تحت پوشش

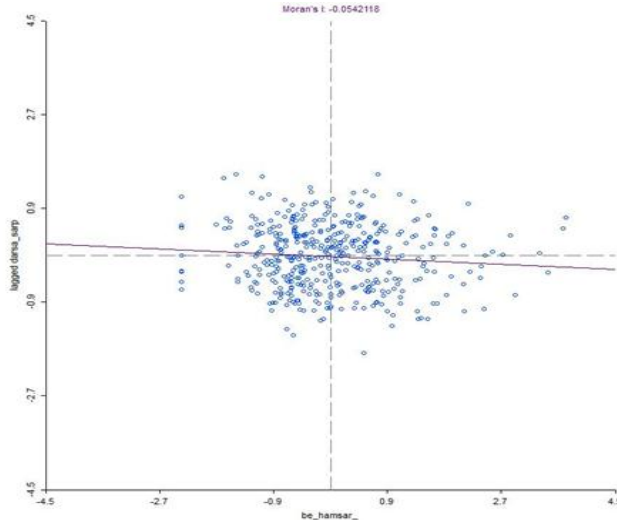


نقشه ۶: نقشه سطح معناداری LSA بین درصد زنان بی همسر به دلیل طلاق و درصد زنان سرپرست خانوار تحت پوشش



شکل ۳- پراکنش موران دو متغیره LSA بین درصد زنان بی همسر به دلیل فوت همسر و

درصد زنان سرپرست خانوار تحت پوشش

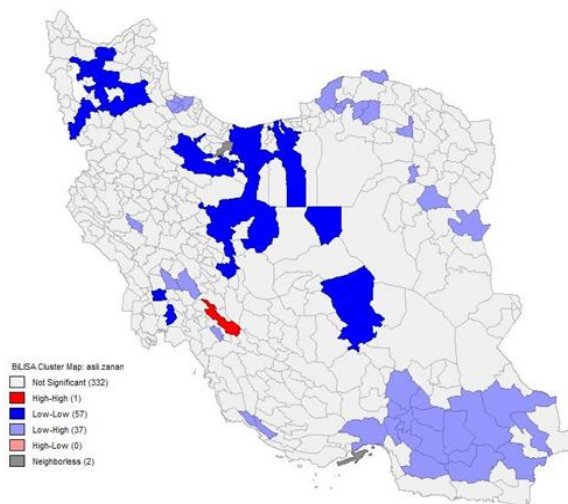


پیوستگی فضایی بین درصد بیکاری و درصد خانوارهای با سرپرست زن تحت پوشش کمیته امداد

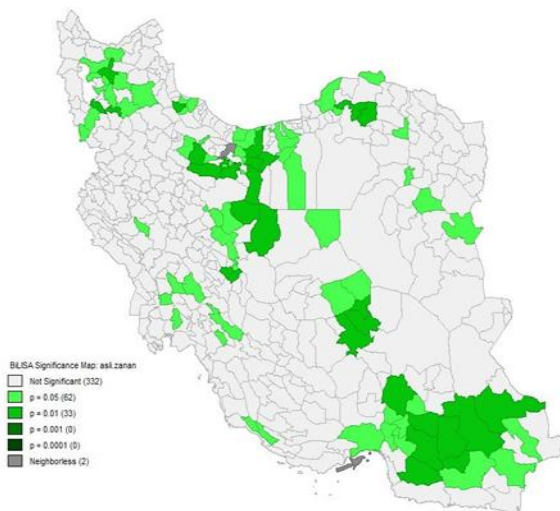
در شکل (۴) نمودار پراکنش موران قابل مشاهده می‌باشد، ضریب موران دومتغیره برابر با $Moran's I = 0.43$ است که با توجه به خط شیب رگرسیون بین درصد بیکاری (محور X) درصد خانوارهای با سرپرست زن تحت پوشش کمیته امداد، نشان از رابطه‌ی مثبت و معنادار بین این دو متغیر دارد. به طوری که با افزایش درصد بیکاری زنان، درصد خانوارهای با سرپرست زن تحت پوشش کمیته امداد نیز افزایش می‌یابد. نقشه‌ی (۷) نشان دهنده‌ی تجمع فضایی مرتبط با درصد بیکاری زنان و درصد خانوارهای با سرپرست زن تحت پوشش کمیته امداد است. همان‌طور که در نقشه قابل مشاهده می‌باشد شهرستان‌های کشور در نهایت از سه الگوی فضایی پیروی می‌کنند که در ادامه به تشریح آن‌ها می‌پردازیم. در ۱ شهرستان کشور واقع در استان کهگیلویه و بویراحمد از الگوی بالا - بالا پیروی می‌کند که نشان دهنده‌ی درصد بیکاری بالا و به دنبال آن زنان تحت پوشش کمیته امداد نیز افزایش یافته است. در ۵۷ شهرستان واقع در استان‌های آذربایجان غربی و شرقی، مازندران، تهران، قم، البرز، قزوین، زنجان، سمنان، یزد و اصفهان الگوی پایین - پایین حاکم می‌باشد. الگوی پایین به بالا در ۳۷ شهرستان کشور، عمدتاً واقع در استان‌های چهارمحال و بختیاری، سیستان و بلوچستان،

هرمزگان، کرمان، گلستان و خراسان جنوبی مشاهده کرد. هم‌چنین در ۳۳۲ شهرستان کشور نیز ارتباط معناداری بین درصد بیکاری و درصد زنان سرپرست خانوار تحت پوشش کمیته امداد برقرار مشاهده نگردید.

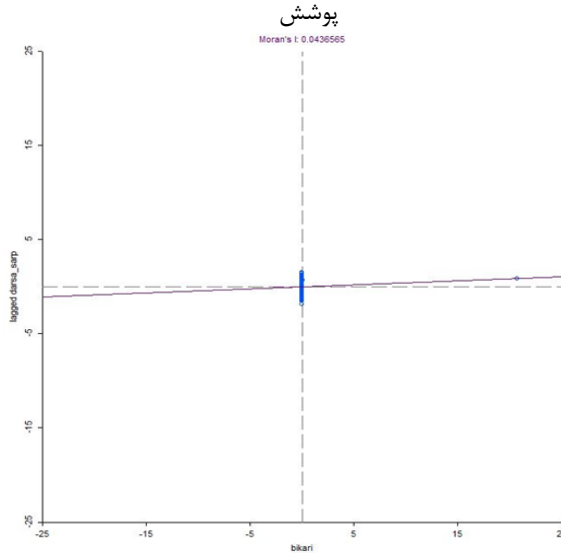
نقشه ۷: نقشه دو متغیره LSA بین درصد بیکاری زنان و درصد زنان سرپرست خانوار تحت پوشش



نقشه ۸: نقشه سطح معناداری LSA بین درصد بیکاری زنان و درصد زنان سرپرست خانوار تحت پوشش



شکل ۴- پراکنش موران دو متغیره LSA بین درصد بیکاری زنان و درصد زنان سرپرست خانوار تحت



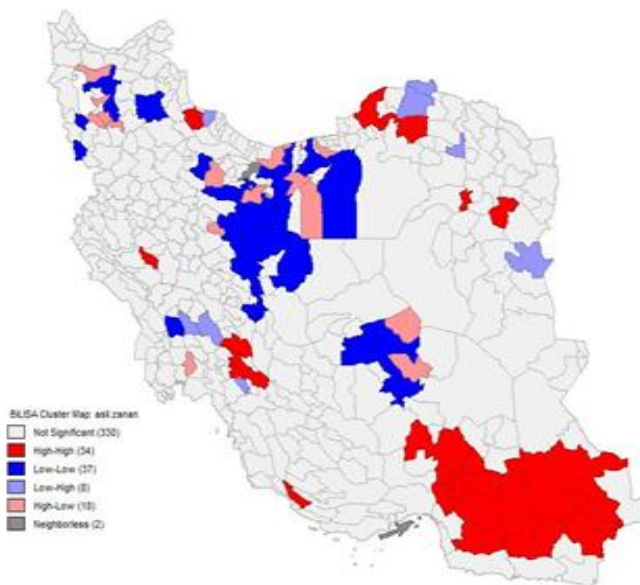
همبستگی فضایی بین نرخ روستانشینی و درصد خانوارهای با سرپرست زن تحت پوشش کمیته امداد

در شکل (۵) نمودار پراکنش موران قابل مشاهده می‌باشد، ضریب موران دو متغیره برابر با $Moran\ s\ I = 0/149$ است که با توجه به خط شیب رگرسیون بین نرخ روستانشینی (محور X) درصد خانوارهای با سرپرست زن تحت پوشش کمیته امداد، نشان از رابطه‌ی مثبت و معنادار بین این دو متغیر دارد. به طوری که با افزایش درصد روستانشینی، درصد خانوارهای با سرپرست زن تحت پوشش کمیته امداد نیز افزایش می‌یابد. نقشه‌ی (۷) نشان دهنده‌ی تجمع فضایی مرتبط با ضریب روستانشینی و درصد خانوارهای با سرپرست زن تحت پوشش کمیته امداد است.

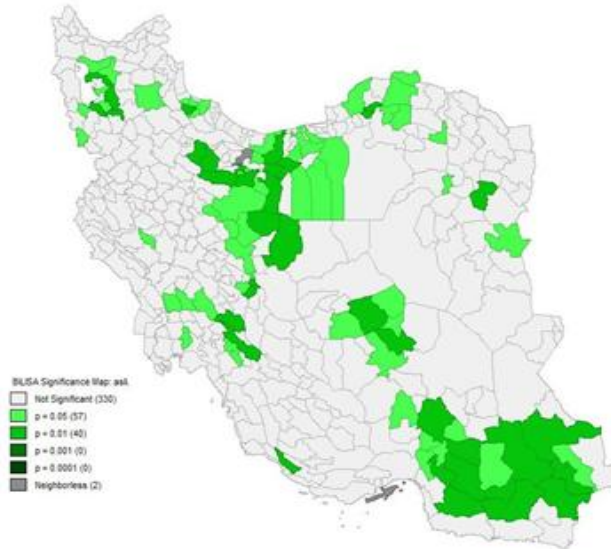
همان‌طور که در نقشه‌ی شماره‌ی (۹) قابل مشاهده می‌باشد، همه‌ی شهرستان‌های ایران از یک الگو پیروی نمی‌کنند. الگوی اول که در ۸ درصد از شهرستان‌های کشور (۳۴ شهرستان) و عمدتاً واقع در استان‌های سیستان و بلوچستان، کرمان، هرمزگان، کهگیلویه و بویراحمد، گلستان، گیلان، خراسان شمالی، و رضوی شکل گرفته است، الگوی بالا - بالا می‌باشد. این الگو بیان می‌دارد که در

این استان هم نرخ روستانشینی و هم درصد خانوارهای با سرپرست زن تحت پوشش کمیته امداد می‌باشد. الگوی دوم، الگوی پایین به پایین می‌باشد که ۳۷ شهرستان کشور عمدتاً واقع در استان‌های سمنان، تهران، مازندران، قم، اصفهان، البرز، مرکزی، آذربایجان غربی و شرقی و یزد از آن پیروی می‌کنند. این الگو بیان می‌دارد که در این بخش‌ها هر دو شاخص نرخ روستانشینی و درصد خانوارهای با سرپرست زن تحت پوشش کمیته امداد پایین می‌باشد. الگوی سوم، الگوی پایین به بالا می‌باشد که این الگو در ۸ شهرستان کشور و به‌صورت پراکنده در سطح استان‌ها و عمدتاً در استان‌های گلستان، خوزستان، خراسان جنوبی و گیلان را در بر گرفته است. در ۱۸ شهرستان واقع در استان‌های یزد، سمنان، مازندران، آذربایجان غربی، قزوین و زنجان نیز الگوی چهارم یعنی، الگوی بالا - پایین پیروی می‌کنند، این الگو نشان می‌دهد که در این شهرستان‌ها نرخ روستانشینی بالا ولی درصد خانوارهای با سرپرست زن تحت پوشش کمیته امداد پایین می‌باشد. در ۳۳۰ شهرستان کشور نیز رابطه‌ی معناداری بین این دو متغیر وجود ندارد.

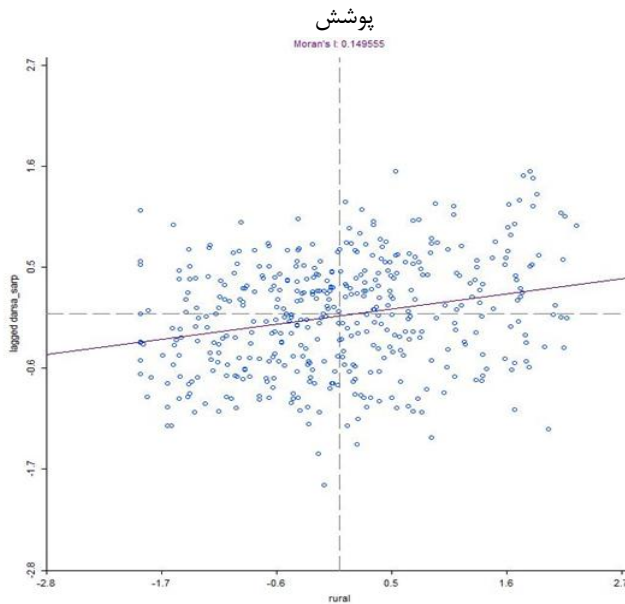
نقشه ۹: نقشه دو متغیره LSA بین نرخ روستانشینی و درصد زنان سرپرست خانوار تحت پوشش



نقشه ۱۰: نقشه سطح معنا داری LSA بین نرخ روستانشینی و درصد زنان سرپرست خانوار تحت پوشش



شکل ۵- پراکنش موران دو متغیره LSA بین نرخ روستانشینی و درصد زنان سرپرست خانوار تحت پوشش



بحث و نتیجه گیری

از آغاز قیام ملت ایران به رهبری حضرت امام خمینی (ره) در سال ۱۹۶۴ میلادی/ ۱۳۴۲ هجری شمسی، مبارزه با فقر و برقراری عدالت اجتماعی یکی از محوری‌ترین شعارها و آرمان‌های انقلاب بود. پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹ میلادی/ ۱۳۵۷ هجری شمسی نیز امام با تأسیس و تشکیل کمیته امداد، اهتمام خود را برای زدودن فقر از سیمای کشور نشان داد. بعد از گذشت چهار دهه از انقلاب اسلامی، در این پژوهش به بررسی توزیع فضایی درصد زنان سرپرست خانوار تحت پوشش کمیته امداد و هم‌بستگی آن‌ها با عوامل اجتماعی و اقتصادی مرتبط با همین بحث در سطح شهرستان‌های کشور (۴۲۱ شهرستان) پرداخته شد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که استان‌های خراسان جنوبی، سیستان و بلوچستان، کهگیلویه و بویر احمد، لرستان و بخش‌های از استان‌های خراسان شمالی، رضوی، سیستان و بلوچستان، هرمزگان، کهگیلویه و بویراحمد، ایلام و کرمانشاه و جنوب کرمان بیشترین درصد خانوارهای با سرپرست زن تحت پوشش کمیته امداد را به خود اختصاص داده‌اند. ویژگی دیگری این شهرستان‌ها و استان‌ها این است که بیشتر در نواحی مرزی متمرکز شده‌اند و فاصله زیادی تا پایتخت کشور یعنی تهران دارند. در ادامه‌ی پژوهش به بررسی هم‌بستگی عوامل اجتماعی (درصد زنان بی سرپرست به دلیل فوت همسر، درصد زنان بی سرپرست به دلیل طلاق و نرخ روستانشینی) و اقتصادی (درصد بیکاری زنان) با درصد توزیع زنان سرپرست خانوار تحت پوشش کمیته امداد در سطح کشور پرداخته خواهد شد. هم‌بستگی فضایی بین درصد زنان بی سرپرست به دلیل فوت همسر و درصد خانوارهای با سرپرست زن تحت پوشش کمیته امداد نشان دهنده‌ی شکل‌گیری چهار الگو در سطح شهرستان‌های کشور بود به طوری که بخش‌هایی از استان‌های سیستان و بلوچستان، کرمان، هرمزگان، کهگیلویه و بویراحمد، کرمانشاه، گیلان، گلستان و خراسان رضوی از الگوی بالا - بالا پیروی می‌کند، به عبارت دیگر با افزایش درصد بیکاری در این مناطق، درصد خانوار تحت پوشش نیز به طور معناداری افزایش می‌یابد، که این پدیده ۱۸ شهرستان کشور را فراگرفته است. در ۳۶ شهرستان کشور نیز که در استان‌های تهران، سمنان، مرکزی، مازندران، البرز، آذربایجان غربی و یزد از الگوی پایین - پایین پیروی می‌کنند، الگوی پایین به بالا را می‌توان در برخی از شهرستان‌های استان‌های سیستان و بلوچستان، هرمزگان، کرمان، خراسان رضوی و جنوبی و گلستان مشاهده کرد. در ۲۷ شهرستان کشور نیز واقع در بخش‌هایی از استان‌های آذربایجان غربی و شرقی، سمنان، اصفهان، یزد، قم، زنجان، تهران الگوی بالا - پایین حاکم می‌باشد. عامل دوم اجتماعی که در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفت درصد زنان بی

سرپرست به دلیل طلاق می باشد. هم‌بستگی حاصل از درصد زنان بی سرپرست به دلیل طلاق و درصد خانوارهای تحت پوشش کمیته امداد در هر شهرستان نیز نشان از شکل‌گیری چهار الگوی مختلف در کشور بود. الگوی اول که در ۱۴ شهرستان کشور واقع در استان‌های خراسان جنوبی، سیستان و بلوچستان، هرمزگان، فارس، خراسان شمالی، گلستان و گیلان شکل گرفته است، الگوی بالا - بالا می‌باشد. این الگو بیان می‌دارد که در برخی از شهرستان‌های واقع در این استان‌ها هم درصد زنان بی سرپرست به دلیل طلاق و هم درصد خانوارهای با سرپرست زن تحت پوشش کمیته امداد بالا می‌باشد. الگوی دوم، الگوی پایین به پایین می‌باشد که ۲۳ شهرستان کشور عمدتاً واقع در استان‌های سمنان، اصفهان، زنجان، آذربایجان غربی، آذربایجان شرقی از آن پیروی می‌کنند. این الگو بیان می‌دارد که در این بخش‌ها، هر دو شاخص زنان بی سرپرست به دلیل طلاق و درصد خانوار با سرپرست زن تحت پوشش کمیته امداد پایین می‌باشد. الگوی سوم، الگوی پایین به بالا می‌باشد که این الگو نیز در استان‌های بوشهر، هرمزگان، سیستان و بلوچستان، خراسان رضوی، کهگیلویه و بویراحمد را در بر گرفته است. در نزدیک به ۷ درصد از شهرستان‌های کشور واقع در استان‌های سمنان، تهران، البرز، آذربایجان شرقی و غربی و اصفهان نیز الگوی چهارم، یعنی الگوی بالا - پایین پیروی می‌کنند. این زنان به علت فقدان فیزیکی و روانی و اقتصادی همسر در اشکال مختلف و به دلیل نبود پشتوانه‌ی مالی و هم‌چنین کمبود سرمایه‌های اجتماعی برای یافتن راه حل مناسب برای حل مشکلات، در معرض آسیب‌های جدی رفتاری، اجتماعی و اخلاقی‌اند. لازم است تدابیری اتخاذ شود تا مشکلات این گونه زنان به‌طور شایسته حل شود. که این امر با مطالعات Bowman: 2016, Wickrama: 2006, 2007, Raghfar & Soleimani: 2016 مطابقت دارد. نتایج حاصل از درصد بیکاری زنان نشان داد که در ۱ شهرستان کشور واقع در استان کهگیلویه و بویراحمد از الگوی بالا - بالا پیروی می‌کند که نشان دهنده‌ی درصد بیکاری بالا و به‌دنبال آن زنان تحت پوشش کمیته امداد نیز افزایش یافته است. در ۵۷ شهرستان واقع در استان‌های آذربایجان غربی و شرقی، مازندران، تهران، قم، البرز، قزوین، زنجان، سمنان، یزد و اصفهان الگوی پایین - پایین حاکم می‌باشد. الگوی پایین به بالا در ۳۷ شهرستان کشور، عمدتاً واقع در استان‌های چهارمحال و بختیاری، سیستان و بلوچستان، هرمزگان، کرمان، گلستان و خراسان جنوبی مشاهده کرد. هم‌چنین در ۳۳۲ شهرستان کشور نیز ارتباط معناداری بین درصد بیکاری و درصد زنان سرپرست خانوار تحت پوشش کمیته امداد برقرار مشاهده نگردید و آخرین عاملی که در این پژوهش هم‌بستگی آن مورد بررسی قرار گرفت، عامل نرخ روستانشینی می‌باشد. عامل نرخ روستانشینی تنها عاملی بود که ارتباط مثبت و

معنا داری با درصد زنان سرپرست خانوار تحت پوشش کمیته امداد دارد. در این عامل نیز چهار الگو در ۹۱ شهرستان کشور کشف شد. هم‌چنین در ۳۳۰ شهرستان کشور نیز ارتباط معناداری بین این دو متغییر مشاهده نگردید.

به طور خلاصه می‌توان گفت که عوامل مختلفی از شرایط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست محیطی باعث می‌شوند که فقر ادامه دار باشد و شدت یابد. درصد توزیع زنان سرپرست خانوار مورد حمایت کمیته امداد در سطح کشور نشان می‌دهد که ما از نواحی مرزی کشور غفلت کرده‌ایم و آن‌چنان که لازم بود به آن‌ها رسیدگی نکرده‌ایم و افراد زیادی در این مناطق تحت پوشش کمیته امداد و سایر نهادهای حمایتی هستند. هم‌چنین در شهرستان‌هایی که درصد بیکاری زنان، درصد طلاق و نرخ روستانشینی بالایی دارند و سطح سواد پایین‌تر، خانوارهای بیشتری مورد حمایت کمیته امداد را دارا می‌باشند. لذا لازم است که با شناسایی و شناخت این شهرستان‌ها تلاش کنیم تا وضعیت اقتصادی و اجتماعی آن‌ها را بهبود ببخشیم تا افراد تحت پوشش در این مناطق روز به روز کمتر شوند. در صورت عدم توجه به هم‌این عوامل اقتصادی و اجتماعی در آینده نزدیک شاهد افزایش چشمگیر زنان سرپرست خانوار تحت پوشش کمیته امداد در همین مناطق و سایر شهرستان‌های کشور خواهیم بود. نتایج این پژوهش با یافته‌های Fasoranti:2010, Satiabama:2010, Zanganeh et al: 2017, Asghari et al: 2016, Ghanbari & Nouri:2016 هم‌سو هستند. در پایان با توجه به نتایج تحقیق پیشنهادهایی برای حل این مسائل ارائه می‌گردد:

- ۱- توجه بیشتر و افزایش بیشتر به خانواده و کاهش طلاق در سطح شهرستان‌های کشور
- ۲- بهبود وضعیت اشتغال زنان و کاهش درصد بیکاری آن‌ها در مناطقی که زنان سرپرست خانوار بیشتری قرار دارند. هم‌چنین شناسایی فرصت‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری در این مناطق و معرفی آن‌ها به زنان سرپرست
- ۳- توجه بیشتر به مناطق مرزی کشور و شهرستان‌های که نرخ روستانشینی بالایی دارند.
- ۴- اعطای تسهیلات ارزان و با نرخ سود پایین به زنان سرپرست خانوار

References:

Abayomi, A, & Abadat, A. (2014). The Roles of Selected NGOs in Economic Empowerment of Rural Women in Ibadanland, Nigeria. *Academy of Management Journal*, 39:PP.483–504.

_fshani, A. & Fatehi, E. (۲۰۱۶). "The Capacity of Female Head of Households and Related Socio-Cultural Factors: A Study of Women Under the Imam Khomeini Relief Committee in Tabriz City", *Women and Society Quarterly*, Seventh Year, No. 3 Autumn 1395, pp. 19-37. (Persian)

Akpabio, I. (2009). Women NGOs and rural women empowerment activities in the Niger Delta, Nigeria. *Environment, Development and Sustainability*, 11:307–317. DOI 10.1007/s10668-007-9112-5.

Asghari, S. shahraki, E. Nadernarfar, M. (2016). Barriers to Economic and Social Empowerment of Rural Households Case: Custodians Covered by the Relief Committee in Sistan, *Quarterly Journal of Rural Space Economics*, Vol. 5, No. 1, Spring 2016. Pp. 104-125. (Persian)

Boldaji L., Foruzan A., & Rafiey H. (2011). Quality of Life of Head-of-Household Women: a Comparison between those Supported by Welfare Organization and those with Service Jobs. *Social Welfare*, (40) :9-28. (Persian)

Bowman, Sh. (2007). Low economic stature is associated with suboptimal intakes of nutritious foods by adults in the national health and Nutrition examination survey 1999-2002. *Nutrition Research*. 27(9): pp 515-523.

Daghkele, A. Kalhor, S. (2011). *Urban Damage in Tehran: Vandalism, Ferrari Girls, Women Head of Household and Teaching*, Tehran: Publications of Sociologists. . (Persian)

Elsheikh, S. & Elamin, S. (2013), *The Economic Empowerment of Urban Women in Sudan: Empirical Analysis*. The Journal of American Academy of Business, Cambridge Vol. 19, No. 1.

Fasoranti, M. (2010). "The Influence of Micro-credit on Poverty Alleviation Among Rural Dwellers: A Case Study of AKOKO North West Local Government Area of ONDO State", *Africa journal of Business Management*, 4(8):1438-1446.

Ghanbari, Y. Nouri, R. (۲۰۱۶). Impact Assessment on the Microfinance of the Aid Committee on Population Survival in Rural Areas (Case Study: Khomein), *Journal of Economic Research*, Seventh Year, No. ۶۵, pp. ۱۷۷-۱۹۸. (Persian)

Gharashi, S. Deira, E. Amini Nejad, G. (2012). "Determining the relationship between self-centered self-esteem and job enthusiasm in employed women of the household of the Ahwaz Relief Committee", *Journal of Women and Society*, Eighth Year, No. First, Spring 1396, pp. 37-56. (Persian)

Herbst, C. M. (2012). Footloose and fancy free? Two decades of single mothers' subjective well-being. *Social Service Review*, 86(2), 189-222.

Jacoby, J. Ziarati, M. Shams, A. (2016). Factor Analysis of Solutions for Improving Job Capacity of Female Heads of Rural Households, A Case Study of Shirvan City. Quarterly Journal of Village and Development, 19, No. 4, Winter 2016, pp. 77-92. (Persian)

Jessor, R. (1987). "Problem – behavior theory, psychosocial development, and adolescent problem drinking", British Journal of Addiction, 82, PP 331-342.

Khani, S. Khezri, F. Yari, K. (۲۰۱۷). Study of Social Vulnerability of Female Heads of Households and Headed Women in the Sultan Abad District of Tehran, Journal of Women's Development and Policy, Vol. 15, No. 4, Winter 2013, Pages 597-620. (Persian)

Korsangneh, M. Amini, Y. & Kordzangnah, R. (۲۰۱۷). "The economic and social situation of women headed by households under the auspices of the Shushtar Relief and Welfare Organization (with emphasis on existing social policies)", Journal of Social Sciences, eleventh year, Number Two, Successive 27, Summer 1396, 267-294. (Persian)

Le Blanc, M. Charland, R. Cote, G. & Pronovost, L. (1980). *Developpement psychosocial et evolution de la delinquance au cours de ladolescence*. Montreal: Groupe de recherche sur linadaptation juvenile, Universite de Montreal.

Mohajeri Amir, S. Moghradi, G. Badazar, M. (۲۰۱۶). "The Investigation of the Role of Social and Psychological Factors on the Empowerment of Rural Women Headed by Households Covered by the Relief Committee (Case Study: Abbas Abad City)", Iranian Journal of Agricultural Economics and Development, Volume 2, Issue 1, Pages 211-225. (Persian)

Nasseri, S. and Salarzahi, H. (2011). "The Impact of the Services of the Committee on Relief on the Empowerment of Female Heads of Households", Two Journalists for the Promotion of Shia Women, Ninth Year, No. 28, Spring 2012, pp. 233-217.

Raghfhar, H. Soleimani, M. (۲۰۱۶). Empowerment and Poverty Reduction from Divorced Women and Wife of the Dead in the City of Soleil, Women's Quarterly in Development and Politics, Vol. ۱۴, No. ۱, ۵۱-۶۸. (Persian)

Sadeqi, A. (2006). "Female Head of Households and Personal and Social Damage Against Them", Proceedings of the Second Conference on the Empowerment and Rehabilitation of Female Heads of Households, Department of Women's Affairs of the Municipality of Tehran, pp. 35-58. (Persian)

Satiabama, K. (2010). "Rural Women Empowerment and Entrepreneurship Development". Research Scholar, Development of Political Science and Development Administration, Ganhigram Rural Institute, Dindigul District, April 2010.

Seyyed Mirzaei, M. Abdollahi, Z. & Kamrobi, K. (2011). "The Study of the Relationship Between Social Factors and Social Security of Female Heads of Households under Study: Women in Ilam City", Social Security Studies, New Volume, No. 28, Winter 2011, Pages 79-108. (Persian)

Shadi Taleb, J. Garaei Nejad, A. (2004). Poverty of women headed by women, *Journal of Women's Research*, Volume 2, Number 1. Pages 49-70. (Persian)

Shahriyari, E. Sadeqmand, Z. Fatehizadeh, H. & Magicians, S. (۲۰۱۳). "Studying the Educational Needs of the Heads of the Employed Cultural-Education Household", *Women's and Society Women's Quarterly Journal*, Vol. 4, No. 3, p. 29-45 . (Persian)

Tofighian Far, A. Azizi, J. & Sayfour, B. Behjati Asl, F. Ghayed Ghiyyah, L. (۲۰۱۶). "Investigating the Relationship Between Self-Sufficiency Projects of the Imam Khomeini Relief Committee and Empowering Female Heads of Households (Case Study: Kohgiluyeh and Boyerahmad Province) »*Journal of Women and Society*, Summer 7, No. 2 Summer. Pages 89-113. (Persian)

Wickrama, S. Lorenz, O. & Conger, D. Elder, H. & Abraham, T. Fang, A. (2006). Changes in family financial circumstance and the physical health of married and recently divorced mothers. *Social Science & Medicine*.63(1): pp 123-136

